

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی

وحشی بافقی و دیگر «وحشی» های شعر فارسی

عبدالرسول فروتن^۱

مرضیه مسیحی پور^۲

چکیده

بررسی و تحقیق در منابع تاریخ ادبیات فارسی نشان می‌دهد که نخستین شاعری که «وحشی» تخلص کرده، کمال‌الدین محمد وحشی بافقی (متوفی ۹۹۱ ق) شاعر نامدار ادب فارسی بوده است. البته آورده‌اند که برادر بزرگ‌تر او - مرادی - نیز متخلص به وحشی بوده و برادر کوچک‌تر اشعار وی را در دیوان خود وارد نموده است. پس از وحشی بافقی، شاعرانی این تخلص را برای خود برگزیده‌اند؛ نخستین آن‌ها وحشی کاشانی (جوشقانی) (درگذشته به سال ۱۰۱۲ و یا ۱۰۱۳ ق) است که اتفاقاً از جمله شاگردان رفیق جندی وحشی بافقی در شاعری یعنی محتشم کاشانی محسوب می‌شده است. وحشی دولت‌آبادی (متوفی ۱۰۶۳ ق)، وحشی فرخ‌آبادی (قرن سیزدهم)، وحشی تبریزی (احتمالاً از شاعران قرن سیزدهم) و ملا محمدحسین صاحبکار متخلص به وحشی بیرجندی (قرن چهاردهم هجری قمری) نیز چنین تخلصی داشته‌اند.

در این پژوهش بر آنیم تا پس از معرفی این شاعران و آثار ادبی باقیمانده از آنان، به بررسی میزان تأثیرپذیری اشعارشان از سبک اشعار وحشی بافقی بپردازیم. اینکه پس از وحشی بافقی، شاعران متعددی در فاصله زمانی کوتاهی این نام شاعری را برگزیده‌اند، خود نشان از شهرت وحشی بافقی و تأثیرگذاری مقام شاعری او در ادب فارسی است. با این حال، خواهیم دید که این شاعران، سبک وحشی را دنبال نکرده و به مقتضای زمان خود به سرودن شعر پرداخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: وحشی بافقی، سبک وقوع، سبک هندی، وحشی بیرجندی، وحشی تبریزی، وحشی دولت‌آبادی، وحشی فرخ‌آبادی، وحشی کاشانی

مقدمه

کمال‌الدین محمد وحشی بافقی از شاعران والامقام و مشهور ادبیات فارسی در سدهٔ دهم هجری قمری است. وی که با شاه طهماسب صفوی، شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده معاصر بود، پس از آموختن مقدمات ادبیات، از بافق به یزد و از آنجا به کاشان رفت و چندی در آن شهر سرگرم مکتب‌داری بود و پس از روزگاری به یزد بازگشت و به شاعری و ستایش فرمانروایان آن شهر مشغول بود تا اینکه در سال ۹۹۱ هجری درگذشت (صفا، ۱۳۷۸، ج ۵: ۷۶۱-۷۶۲).

او در خانوادهٔ متوسطی به دنیا آمد و به همراه برادر بزرگترش، مرادی بافقی، نزد شرف‌الدین علی یزدی به تحصیل علم پرداخت. این برادر بزرگتر وی خود شاعر بود و آنگاه که هنوز وحشی در زمینهٔ شعر به شهرتی نرسیده بود، مرادی شاعری شناخته شده به حساب می‌آمد. عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی در تذکرهٔ میخانه (تألیف ۱۰۲۸ هجری) از دوستی

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران ar.foroutan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران mmasihpoor@yahoo.com

که گفتارش را معتبر می‌داند، چنین نقل می‌کند که در اصل «وحشی» تخلص مرادی بوده است و دو دلیل متخلص شدن برادر کوچکتر به «وحشی» را از زبان خودش چنین می‌آورد:

«اسم من شمس‌الدین محمد است. در آن ایامی که من در کاشان به مکتب‌داری اشتغال داشتم، شعر نمی‌گفتم؛ فاما برادرم قبل از من شعر می‌گفت و هنوز مبتدی بود که از عالم رفت. چون در سواد مذکور دیدم که موزونیت اعتبار سرشاری دارد، در مقام انتظام نظم شدم، و اول بی‌تی که گفتم و بدان اشتها یافتم، این بود: اگرچه هیچ ندارم، سر کلی دارم / چو شب شود به سر خویش مشعلی دارم

القصه این بیت رفته‌رفته به سلطان مذکور رسید و به همین تقریب مرا به حضور طلبید. چون به ملازمت او رسیدم، بار اول که چشم بر من زد، حقیر به نظرش درآمدم. گفت: این وحشی شعر می‌تواند گفت؟ حضار مجلس گفتند: بلی، آن بیت از این وحشی است. چون برادرم قبل از این وحشی تخلص می‌کرد و در حضور سلطان نیز به همین خطاب مخاطب شدم، بنابراین وحشی تخلص کردم.» (فخرالزمانی، ۱۳۴۰: ۱۸۱-۱۸۲)

به هر حال، تخلص برادر بزرگتر در تذکره‌ها و منابع دیگر مرتبط با تاریخ ادبیات فارسی، مرادی است (نک اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۰۶۹-۴۰۷۰؛ واله داغستانی، ۱۳۸۱: ۲۱۰۰؛ بهوپالی، ۱۳۹۰: ۸۶۳-۸۶۴) و تا آنجا که اطلاع داریم، برادر کوچکتر مرادی، یعنی کمال‌الدین محمد وحشی بافقی نخستین شاعری است که در ادب فارسی این تخلص را برگزیده است.

پس از وحشی بافقی، شاعران دیگری را می‌شناسیم که چنین تخلصی داشته و البته هیچ‌کدام به شهرت وحشی بافقی نرسیده‌اند: وحشی کاشانی (جوشقانی)، وحشی تبریزی، وحشی دولت‌آبادی، وحشی پیرجندی و وحشی فرخ‌آبادی از این جمله‌اند.

در این تحقیق بر آنیم تا علاوه بر به دست دادن شرح احوال و آثار این شاعران، با توجه به این نکته که احتمالاً این افراد نام شاعری خود را با توجه به وحشی بافقی و شهرت وی انتخاب کرده‌اند، میزان تأثیرپذیری آنان از وحشی بافقی را مشخص کنیم. این تأثیرپذیری را با توجه به سبک اشعار وحشی بافقی مشخص خواهیم کرد. منظور از سبک اشعار وحشی، وقوع و واسوخت‌سرایبی و یا طنز و هجو خاص اوست که از ویژگی‌های بارز اشعار وی به شمار می‌روند. همچنین در باب سبک وحشی بافقی، توضیح این نکته را ضروری می‌دانیم که از نظر نگارندگان این سطور، وی را نمی‌توان جزو شاعران سبک هندی به شمار آورد (نیز نک صفوی، ۱۳۸۱: ۳۹).

در معرفی این افراد سعی داشته‌ایم ترتیب تاریخی را رعایت کنیم؛ البته ناگفته نماند که با وجود تتبع و تفحص بسیار در منابع کهن مرتبط، اطلاعات چندانی از برخی از این شاعران به دست نیاموردیم. همچنین نام برخی از آنان (از جمله وحشی کاشانی) در منابع اکثراً متأخرتر نیز آمده بود که به دلیل ارائه نشدن اطلاعات جدید در آن‌ها، از ذکر نامشان خودداری کردیم. اینک متخلصان به «وحشی» پس از وحشی بافقی:

۱. وحشی کاشانی (جوشقانی)

از شاعران نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است. در برخی منابع او را از جوشقان کاشان دانسته و همچنین تخلص وی را «وحشتی» آورده‌اند (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۵۹۵؛ صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۲۲۳). البته در برخی منابع نام شاعری وی «وحشی» است (صبا، ۱۳۴۳: ۸۹۶؛ حسن‌خان بهادر، ۱۳۸۵: ۷۸۹).

از آنجا که وحشی کاشانی شاگرد محتشم کاشانی، از رقیبان جدی وحشی بافقی بوده (همان: همانجا؛ گوپاموی، ۱۳۸۶: ۷۵۱؛ صبا: همانجا) و همچنین از نظر زمانی تنها یک نسل پس از شاعر بافقی محسوب می‌شود، تخلص وی قابل توجه است. وحشی بافقی از آن رو رقیب شعری محتشم به شمار می‌آمده که به قول تقی‌الدین اوحدی بلیانی (۱۳۸۹: ۴۵۸۱) آنگاه که طنطنه شاعری محتشم قاف تا قاف را گرفته بود، وحشی بافقی در برابرش آمد و طرز نوری در

عرصهٔ او زد و باعث شد تا در زمان حیات محتشم، طرز شاعری‌اش منسوخ گردد^۱. البته تقی اوحدی (۱۳۸۹: ۴۵۹۵) نقل کرده که وی خود را از شاگردان غیرتی شیرازی می‌دانسته است.

به هر حال، وحشی کاشانی شاعری غزل‌سرا بوده است. تا سال ۹۹۹ ق در ایران بوده اما در نهایت به گلکنده هندوستان رفته و به سال ۱۰۱۲ هجری درگذشته است (همان: همانجا؛ واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۴۴۷؛ ایمان، ۱۳۸۶: ۶۹۳). البته در تذکرهٔ شمع انجمن، سال ۱۰۱۳ ق به عنوان سال وفات وی آمده و مدفن وی در دکن دانسته شده است (حسن‌خان بهادر: همانجا؛ نیز نک گوپاموی: همانجا).

صادقی کتابدار (۱۳۲۷: ۲۲۳-۲۲۴) وی را قوی‌هیکل و پُر زور تصور کرده و این بیت او را با این ویژگی‌اش متناسب دانسته است:

فرهاد اگر از بیستون گلگون به گردن می‌برد من بیستون را می‌برم کارم چو بر گردن فتد

صادقی در همانجا ذکر می‌کند که او با وجود این قدرت، بسیار نامراد بوده و در طریق عشق مجازی چنان پایداری داشته که نسبت به فرزندان خواجه‌زاده‌اش هم خدمات انجام می‌داده است.

دیوان او را مشتمل بر دوهزار بیت گفته‌اند (حسن‌خان بهادر: همانجا). دیوان کامل وی اکنون در دست نیست و تنها منتخبی هشت‌صفحه‌ای مشتمل بر ۲۳۵ بیت از اشعارش وجود دارد که در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود (گلچین معانی، ۱۳۴۶: ۵۸۵).

حدود یکصد بیت از اشعار وی، از جمله هفتاد و شش بیت در عرفات‌العاشقین (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۵۹۶-۴۵۹۷) نقل شده (نیز نک واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۲۴۴۷-۲۴۴۹؛ صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۲۲۴-۲۲۵) که هیچ‌یک به سبک وقوع و یا واسوخت نیست. برخی از اشعار وی را که در تذکره‌ها مضبوط است، برای اثبات این سخن نقل می‌کنیم:

شب‌گذاری به دل بی‌خور و خوابم کردی آن‌چنان گرم‌گذشتی که کبابم کردی
(حسن‌خان بهادر: همانجا)

دور از او چشمم در نظاره را مسمار کرد هر نگاری خنجری گردید و در دل کار کرد
(همان: همانجا)

گر سرشک آتشین ریزد دل من دور نیست شعله نتواند نگه دارد شرار خویش را
(همان: همانجا)

اهل نظر به قیمت یاقوت می‌خرند خونابه‌ای که بر سر مژگان گره شود
(همان: همانجا)

به صد خواری کشد هر سو سگش جسم فگارم را کجا شد غیر تا اکنون ببیند اعتبارم را
پس از مردن به خاک از هجر چندان بار غم بردم که نفخ صور نتواند برانگیزد غبارم را
(اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۴۵۹۷)

با نگاهی گذرا به این چند بیت، می‌توان در سبک هندی سروده شدن آن‌ها را دریافت. احتمالاً این اشعار پس از مهاجرت وی به هندوستان و تحت تأثیر شاعران آن سامان سروده شده است. در عرفات‌العاشقین نیز دربارهٔ او آمده

است: «بگه‌بیت‌های بلند از او سر زده، اگرچه از لباس فضل و کمال معرّاً بود و تتبع اشعار هم کمتر کرده بود، اما فطرت بلند و طبعی ارجمند داشت.» (همان: ۴۵۹۵). این اظهار نظر بلیانی این مدّعا را تأیید می‌کند که وحشی کاشانی همچون شاعران سبک هندی تک‌بیت‌های زیبایی سروده، اما اشعار وی از نظر محور عمودی ضعف دارد. سیروس شمیسا دربارهٔ این ویژگی سبک هندی می‌نویسد: «قالب شعر در سبک هندی تک‌بیت است، نه غزل، منتها این ابیات با نخ قافیه و ردیف به هم وصل شده و شکل غزل یافته‌اند.» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۸۷)

گرچه باید توجه داشت که تذکره‌نویسان عموماً اشعار شاعران را مطابق میل خود برمی‌گزیده‌اند، همچنان که چند بیتی هم که از وحشی بافقی در همین تذکرهٔ شمع انجمن - که چهار بیت نخست وحشی کاشانی از آن بود - نقل شده، جز بیت آخر، به طرز وقوع و واسوخت نیست و رنگی هندی دارد. می‌توان گفت ذوق ادبا و شعرشناسان آن زمان چنین بوده است:

از من مپوش چهره که غمّاز نیستم چون طفل اشک، پرده در راز نیستم

تو به من گذار وحشی که غم تو را بگویم که تو در حجاب عشقی، ز تو گفتگو نیاید

گرد نشیند به طرف دامن آزادگان گر براندازد فلک بنیاد این ویرانه را

مریض طفل مزاجند عاشقان ورنه علاج درد تغافل دو روزه پیرهن است

بلبل آن به که فریب گل رعنا نخورد که دو روز است وفاداری یاران دورنگ

(حسن خان بهادر، ۱۳۸۵: ۷۸۷-۷۸۸)

۲. وحشی دولت‌آبادی

از زندگی او چندان اطلاعی در دست نیست. تنها مؤلف شمع انجمن دربارهٔ او نوشته است: «روزی چند مرغ روحش در وحشت‌آباد عالم خوشگویی‌ها نموده، در سنهٔ ۱۰۶۳ از قفس بدن پرواز نمود.» (همان: ۷۸۸).

با توجه به «روزی چند» در تذکرهٔ شمع انجمن، می‌توان احتمال داد که وی در جوانی درگذشته است. در همان تذکره، این چند بیت به وی نسبت داده شده است:

قرب تا حاصل نشد، دودی ز جانم برنخاست اتحاد شمع، برق خرمن پروانه بود

بی‌لطفی‌ای به حال تو دیدم که سوختم وحشی بگو که از تو چه تقصیر آمده است

آتش به جگر زان رخ افروخته دارم وین گریهٔ تلخ از جگر سوخته دارم

در دام غمت تازه فتادم، نگهم دار من عادت مرغان نوآموخته دارم

وحشی به دل این شعلهٔ سوزنده چو فانوس از پرتو آن شمع برافروخته دارم

صبر خواهم کرد وحشی بر غم نادیدنش من که خواهم مُرد، گو از حسرت دیدار باش

بست زبان شکوه‌ام لب به سخن گشادنش عذر عتاب گفتن و مژدهٔ لطف دادنش

مصلحت دید چنین صبر که سویش نروم بنشینم به رهش، بر سر کویش نروم

زین سان که تند می‌گذرد خوش خرام من کی ملتفت شود به جواب سلام من

من و از دور تماشای گلستان کسی به نسیمی شده خرسند ز بستان کسی
در نظر نعمت دیدار به حسرت نگران دست‌ها بسته و مهمان شده بر خوان کسی
وحشی از شوق تو جان داده، تو باشی زنده زندگی بخش کسی، عمر کسی، جان کسی

(همان: ۷۸۸-۷۸۹)

سبک هندی به‌وضوح در اشعار این شاعر نیز نمایان است و تأثیری از اشعار وحشی بافقی مشاهده نمی‌شود.

۳. وحشی فرخ‌آبادی

منشی بشارت‌علی فرخ‌آبادی متخلص به «وحشی» که مدتی در کاکور به سر می‌برد و البته سال‌ها نیز ساکن فرخ‌آباد هندوستان بود، از شاعران قرن سیزدهم هجری است؛ زیرا سید محمدعلی حسن‌خان بهوپالی متخلص به «سلیم» در تذکره صبح گلشن که به سال ۱۲۹۵ تألیف شده است، از او نام می‌برد و می‌نویسد: «طبعش در ابداع ملاحه ملاح سخن به شورشوری، مردی وسیع‌الخلق عمیم‌الوفاق بود. عمری در فرخ‌آباد به سر نمود.» (بهوپالی، ۱۳۹۰: ۱۱۹۸) که با توجه به استفاده از افعال ماضی در این چند جمله، یقیناً فرخ‌آبادی در همان قرن سیزدهم در گذشته است.

از اشعار وی تنها این غزل برجای مانده که در آن ویژگی‌های سبک هندی بارز است:

به عدم هم ز غم عشق نشانی پیداست به سر خاک شهید تو فغانی پیداست
کی امان می‌دهم ترک سیاه چشمت بهر صید دل ما تیر و کمانی پیداست
همچو شمع سحری خسته و رنجور تو را هر دم از کاهش دل تازه زبانی پیداست
راحتی نیست دمی در چمن دهر به کس زیر پهلوی گل از خار سنانی پیداست
سوخت در سینه مگر این دل شیدا وحشی که به لب از دم گرم تو فغانی پیداست

(همان: ۱۱۹۸-۱۱۹۹)

۴. وحشی تبریزی

از این شاعر، هیچ اطلاعی در دست نیست و حتی یک بیت هم از او در اختیار نداریم تا با استفاده از آن بتوان از زندگانی‌اش آگاهی یافت. در الذریعه آمده است که دیوان وی در بمبئی چاپ شده و نسخه‌ای از آن در مدرسه لعل‌لی استانبول و نسخه‌ای نیز در مدرسه سید محمدباقر اصفهانی در اصفهان نگهداری می‌شود (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۱۲۶۵). کوشش نگارندگان این سطور برای دستیابی به دیوان وی به نتیجه نرسید. تنها بر اساس اطلاعات مندرج در الذریعه می‌توان احتمال داد که وحشی تبریزی، همانند بسیاری از شاعران قرن سیزدهم هجری و یا کمی پیش از آن، خود به هندوستان رفته و دیوانش را در بمبئی به چاپ رسانده است. البته اینکه تا چه اندازه از شاعران آن دیار تأثیر گرفته باشد، مشخص نیست. همچنین از آنجا که نام وی جزو شاعران کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه آمده است، می‌توان وی را شاعری شیعی‌مذهب دانست.

۵. وحشی بیرجندی

آخوند ملا محمدحسین صاحب‌کار بیرجندی متخلص به «وحشی» از شاعران قرن چهاردهم هجری قمری است. از آنجا که وی در سر کار امرا و بزرگان و کفیل مهمات آنان بود، به «صاحب‌کار» اشتها داشت. چندی نایب‌الحکومه ولایت زیرکوه بود (آیتی، ۱۳۷۱: ۳۲۸).

آیتی در کتاب بهارستان دربارهٔ وی چنین می‌نویسد:

«در لباس فقر، کار اهل دولت می‌کرد. مردی بافتو و مردمی بود در زیّ فقها و قضات. هیئتی باشکوه داشت و نظر به استعداد ذاتی به مطالعهٔ کتب فارسی که در ملل و مذاهب و عرفان و فلسفه تدوین شده است، وقت می‌گذرانید و از معقول و منقول سخن می‌گفت و در مباحث طبی نیز مداخله می‌کرد. چندی قبل متوفی و پسرهای مشارالیه در دوایر دولتی وارد شده‌اند.» (همان: همانجا)

کتاب بهارستان نخستین بار در سال ۱۳۲۷ شمسی (۱۳۶۸ قمری) منتشر شده است و با توجه به اینکه وحشی بیرجندی چند سال قبل از این تاریخ درگذشته، باید در اواخر قرن سیزدهم هجری به دنیا آمده و قسمت اعظم زندگانی خود را در قرن چهاردهم هجری قمری گذرانده باشد.

دیوان وحشی بیرجندی در زمان حیات خود شاعر توسط ملا عبدالکریم خیام گردآوری شده بوده و در حدود پنج هزار بیت داشته است (همان: همانجا). این دیوان اکنون در دست نیست و تنها سی و پنج بیت از اشعار وی را آیتی در کتاب بهارستان (۱۳۷۱: ۳۲۸-۳۳۰) آورده است. این اشعار تماماً در قالب غزلند و محتوانی عاشقانه و عرفانی دارند. نمونه‌ای از اشعار وی:

سود ندارد حدیث عارض لیلی	بهر کسی کو نه عاشق است و نه شیدا
قصهٔ لیلی چه خوش بود بر مجنون	کو به شنیدن رسد به مسجد اقصی
ما هم از دست داده نکتهٔ اصلی	دل به دو روز جهان نموده تسلی
سود و زیان را نکرده‌ایم برابر	تا که بدانیم صرفه چیست ز سودا
رو ره خوبان بجوی اگر بتوانی	عمر نما صرف در سعادت فردا

در عشق رُخت بی‌سر و سامان شده دل‌ها	وز هجر لب لعل تو خون گشته جگرها
غواص پی لعل لب و دُرچ دهانت	در بحر فرو رفته، برآورده گهرها
وان عاشق رخسار تو نه بادیهٔ عشق	طی کرده، جوی خوف نکرده ز خطرها
افروخته رخسار تو آتشکده از گل	انداخته اندر دل عشاق شررها
افتاده چو سودای تو اندر سر وحشی	وحشی شد و افتاده در این کوه و کمرها

هیچ‌کدام از این ابیات به طرز اشعار وحشی بافقی نیستند. البته شایان ذکر است که شاعر در آخرین بیتی که از وی نقل کردیم، وجه تخلصی شاعرانه برای خود آورده است.

نتیجه

در این مقاله به بررسی احوال و اشعار بازمانده از پنج شاعری پرداختیم که پس از وحشی بافقی، «وحشی» را به عنوان تخلص خود برگزیده‌اند. در زندگی و آثار بازمانده از هیچ‌کدام از این شاعران به نکته‌ای برنخوردیم که نشانی از وحشی بافقی داشته باشد، چه از نظر سبک شعری و چه از نظر مسائل تاریخی؛ جز آنکه یکی از این شاعران (وحشی کاشانی) از شاگردان رقیب شاعری وحشی بافقی، یعنی محتشم کاشانی بوده است. به هر حال اینکه پس از وحشی

بافقی - نخستین شاعری که این تخلص را برگزید - و در طی حدود چهار قرن، پنج شاعر با همین تخلص در زبان فارسی شعر گفته‌اند را باید به دلیل اهمیت وحشی بافقی و شهرت وی دانست؛ به‌ویژه با توجه به این نکته که دو تن از این شاعران متخلص به وحشی (وحشی کاشانی و وحشی دولت‌آبادی) فاصله زمانی چندانی با شاعر بافقی نداشته‌اند.

پی‌نوشت

۱. جالب اینکه در تذکره روز روشن، وحشی بافقی از دوستان ملا محتشم کاشی دانسته شده است (صبا، ۱۳۴۳: ۸۹۷). درباره دشمنی محتشم کاشانی و برخی از شاعران آن عهد با وحشی بافقی، نک وحشی بافقی، ۱۳۸۸، مقدمه آذران: ۱۰۱-۱۰۸.

۲. شاعران و نویسندگان آن دوره، از آنجا که صنعت چاپ سنگی پیش از ایران در شهرهای مختلف هندوستان مانند کلکته و بمبئی پدید آمده بود، برای چاپ آثار خود بدان دیار سفر می‌کردند. به عنوان نمونه می‌توان از ایزدی کازرونی (۱۲۵۵-۱۳۲۲ ق) نام برد که رهسپار هندوستان شد و دیوان خود را در بمبئی به طبع رسانید (شعاع‌الملک، ۱۳۸۲: ۶۷).

منابع

- آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱)، *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*، چاپ دوم، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین (۱۳۸۹)، *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد، با نظارت علمی محمد قهرمان، تهران: میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ایمان، رحم‌علی خان (۱۳۸۶)، *منتخب‌اللطائف*، تصحیح و توضیح حسین علی‌زاده و مهدی علی‌زاده، تهران: طهوری.
- بهوپالی، سید محمدعلی حسن خان (۱۳۹۰)، *صبح گلشن*، مقدمه، تصحیح، تکمیل و تحشیه مجتبی برزآبادی فراهانی، تهران: اوستا فراهانی.
- تهرانی، آقابرگ (۱۴۰۳)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، چاپ دوم، بیروت: دارالاضواء.
- حسن خان بهادر، سید محمدصدیق (۱۳۸۵)، *شمع انجمن*، تصحیح و تعلیق دکتر محمدکاظم کهدویی، یزد: دانشگاه یزد.
- شعاع‌الملک شیرازی، محمدحسین (۱۳۸۰)، *تذکره شعاعیه*، با تصحیح و تکمیل و افزوده‌های دکتر محمود طاووسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، *سبک‌شناسی شعر*، چاپ نهم، تهران: فردوس.
- صادقی کتابدار (۱۳۲۷)، *مجمع‌الخواص*، ترجمه دکتر عبدالرسول خیامپور، تبریز: بی‌نا.
- صبا، مولوی محمدمظفر حسین (۱۳۴۳)، *روز روشن*، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپ هشتم، تهران: فردوس.
- صفوی، کورش (۱۳۸۱)، «نگاهی به چگونگی پیدایش سبک هندی در شعر منظوم فارسی»، زبان و ادب، شماره ۱۵.

- فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی (۱۳۴۰)، *تذکره میخانه*، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۶)، *فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی*، جلد هفتم، مشهد: اداره کتابخانه.
- گوپاموی، محمد قدرت‌الله (۱۳۸۶)، *نتائج الافکار*، به تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- واله داغستانی، علیقلی (۱۳۸۴)، *ریاض الشعراء*، مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- وحشی بافقی، کمال‌الدین (۱۳۸۸)، *دیوان وحشی بافقی*، ویراسته حسین آذران، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.



SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه

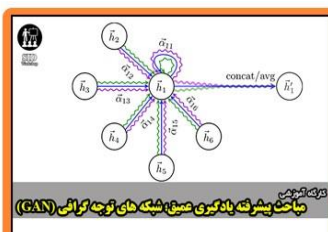


فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین مقاله نویسی IEEE و ISI ویژه فنی و مهندسی